



Fihi Analysis of the Mafia Game; Emphasizing Elements of Deception, Fraud, and the Nature of Play

Mohammad Hasanzadeh 

Received: 17 August 2024 | Recieved in revised form: 06 October 2024 | Accepted: 20 December 2024 | Published: 30 June 2025

Abstract

The Mafia game has emerged as a popular pastime among Muslim youth. Given that the Mafia members in this game rely heavily on deceit and deception to outmaneuver the fellow players, it draws attention to the fihi arguments against falsehood, particularly concerning playful lying. Additionally, claims asserting the absolute prohibition of any form of game also extend their applicability to the Mafia game. In essence, these two arguments provide a framework for determining the legal ruling on the Mafia game. Upon critical examination of the evidentiary basis for these arguments, it becomes evident that the bulk of evidence prohibiting casual falsehoods is sufficient to prohibit the Mafia game; however, the implications of the absolute prohibition of games, and ultimately the prohibition of the Mafia game, are not conclusive, thereby presenting no fihi flaw. Indeed, given that the Mafia game clearly falls under the category of casual falsehoods, and considering the established arguments against such falsehoods, the prohibition of the Mafia game is supported by the prevailing fihi principles.



Keywords: Mafia Game, Playful Lying, Jurisprudence of Entertainment, Casual Falsehood.

* PhD Student, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran; Email: Mhmd.hasanzadeh75@ut.ac.ir

Hasanzadeh, M., & Hassani, M., (2025)., Fihi Analysis of the Mafia Game; Emphasizing Elements of Deception, Fraud, and the Nature of Play. *Journal of New Issues in Islamic Jurisprudence*, 3 (1), 239-260. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.11153.1069>



تحلیل فقهی بازی مافیا؛ با تاکید بر عناصر کذب، فریب و ماهیت لعب

محمد حسن زاده *^{ID}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

بازی مافیا؛ سرگرمی نوظهور و فراگیر در میان جوانان مسلمان. از آنجا که در این بازی رویکرد اعضای مافیا بر دروغ‌گویی و فریب شهروندان بازی می‌باشد، توجه ادله فقهی تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) را به خود جلب نموده است. همچنین ادله ادعایی مبنی بر تحریم مطلق هر نوع بازی نیز شمولیت خود را نسبت به بازی مافیا اظهار می‌نماید. در حقیقت، استناد به دو دلیل مذکور امکان پیدایش و کشف حکم فقهی بازی مافیا را فراهم می‌سازد. حال باید توجه داشت که بنابر نقد و بررسی ادله استنباطی، تمامیت ادله تحریم‌کننده کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) موجب تحریم بازی مافیا می‌گردد؛ هرچند دلالت ادله تحریم مطلق بازی و در نهایت تحریم بازی مافیا تمام نبوده و از این جهت خدشه‌ای فقهی بدان وارد نمی‌گردد. در حقیقت، با توجه به مصداقیت بازی مافیا ذیل موضوع کذب به هزل و تقریر ادله تحریم موضوع مذکور (کذب به هزل)، تحریم بازی مافیا از نگاه ادله استنباطی احکام فقهی جاری خواهد گشت. پژوهش پیش رو دارای پیشینه مؤثر و غیرمؤثر نمی‌باشد که از این جهت، جلوه‌های نوپدید و پویایی فقه جعفری را به نمایش می‌گذارد.



واژگان کلیدی: بازی مافیا، دروغ‌گویی به شوخی، فقه سرگرمی، کذب.

* دانشجوی دکتری فقه و حقوق، گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Mhmd.hasanzadeh75@ut.ac.ir

□ حسن زاده، محمد. (۱۴۰۴). تحلیل فقهی بازی مافیا؛ با تاکید بر عناصر کذب، فریب و ماهیت لعب، پژوهش‌های

فقهی مسائل مستحدثه. ۳(۱)، ۲۳۹-۲۶۰. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.11153.1069>

(۱) مقدمه

بازی مافیا؛ دروغ‌پردازی باند مافیا و هیجانی که مخاطبان بسیاری از جوانان مسلمان را به سمت خود سوق داده است. قدرت فریب و دروغ‌پردازی بالا به همراه مهارت‌های ذهنی از جمله اسباب تفوق در این بازی است. حال از آنجا که تمامی افعال انسان خالی از احکام خمسہ تکلیفی نمی‌باشد، با توجه به گسترش و محبوبیت روزافزون بازی مافیا در جامعه اسلامی و ابتلای فراوان مکلفان بدین موضوع، ضرورت واکاوی فقهی این بازی بیش از پیش احساس می‌گردد. بر این اساس، پژوهش پیش رو سعی را بر این داشته که مطابق مفهوم‌شناسی این موضوع، زوایای فقهی آن را مورد بررسی قرار داده و ادله احتمالی مبنی بر تحریم بازی مافیا را بیان و مورد نقد و بررسی قرار دهد. زیرا با تفحص و واکاوی فقهی نمایان خواهد بود که شبهاتی پیرامون تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) و وجود ادله‌ای مبنی بر تحریم ماهیت لعب (با غمض نظر از نوع بازی و قمارگونه بودن آن)؛ امکان دیدگاه تحریم را به این موضوع مستحده فراهم می‌آورد. عدم وجود هرگونه پیشینه در این موضوع، علاوه بر دشواری مضاعف در راه تحقیق و پژوهش، جلوه‌ای از پویایی این پژوهش علمی را نمایان می‌سازد، که توجه به نکته پیش رو نیز ضروری می‌باشد: وجود پیشینه‌هایی پژوهشی در موضوعات تحلیل فقهی ماهیت بازی و نیز دستاوردهایی فقهی در ارتباط با حکم کذب به هزل انکارناپذیر است؛ اما موارد متعددی از پیشینه‌های موجود با صرف نظر از کلی‌نگری و عمومیت آن و عدم نگاه اختصاصی به موضوع بازی مافیا، با مبنای اتخاذ شده در این پژوهش متفاوت می‌باشند. مقالاتی تحت عنوان؛ ۱: بررسی فقهی بازی‌های مجازی (ابراهیم عبدی‌پور فرد، مرتضی وصالی ناصح) ۲: بررسی فقهی حقوقی معامله و مورد آن در بازی‌های برخط (محمدرضا هاشمی نبی) ۳: واکاوی فقهی بازی رولت روسی (حسینعلی بینا) ۴: احکام فقهی کذب و خلاف واقع نمایی در فیلم و سینما (حسین ناصری) در پیشینه غیرمؤثر پژوهش پیش رو یافت می‌گردد، اما باید توجه نمود که بیان تمام و کمال ادله تحریم کذب به هزل و پاسخ به انتقادات این ادله و همچنین تطبیق موضوع مذکور بر بازی مافیا، از نوآوری‌های پژوهش پیش رو به‌شمار می‌رود. به‌عنوان نمونه در پژوهش‌های فقهی یافت شده پیرامون کذب به هزل، عدم تحریم آن توسط دیگر

پژوهشگران اثبات می‌گردد که پژوهش پیش رو با عنایت به ادله متقن استنباطی احکام فقهی و نقد سایر ادله، به ایجاد پویایی در صدور احکام فقهی نوین نائل آمده است. در حقیقت سوالات اصلی و فرعی پژوهش پیش‌رو بدین عبارت است: ۱. حکم فقهی بازی مافیا چیست؟ ۲. ادله حکم تحریم بازی مافیا چیست؟ ۳. آیا ادله تحریم کذب به هزل قابلیت استناد را دارا می‌باشد؟ ۴. آیا ادله تحریم مطلق بازی، قابلیت استناد را دارا می‌باشد؟ ۵. آیا شمولیت ادله کذب به هزل و نیز ادله تحریم مطلق بازی بر مصداق بازی مافیا صحیح است؟ این پژوهش بر اساس اهداف مورد نظر، توسعه‌ای و بر اساس نیاز آن به فرضیه، توصیفی به‌شمار می‌آید. باشد که این کاوش فقهی به اعتلای تشرع کمک افزاید.

۲) شناخت بازی مافیا

مافیا یک بازی روسی گروهی و استدلالی است که توسط دیمیتری دیویدوف در سال ۱۹۸۶ ساخته شد (فرانسیسکو هافنر، ۲۰۰۳، ص ۳۲). این بازی تضاد بین دو گروه را مدل می‌کند: یک اقلیت آگاه (مافیاها یا گرگینه‌ها) و یک اکثریت ناآگاه (شهروندان). در شروع بازی، به هر بازیکن مخفیانه نقشی وابسته به یکی از این تیم‌ها اختصاص می‌یابد. بازی دارای دو مرحله متناوب است: اول، یک فاز شب، که در طی آن کسانی که دارای قدرت کشتار در شب هستند، ممکن است به‌طور مخفیانه سایر بازیکنان را بکشند، و دوم، مرحله روز، که در آن همه بازیکنان بازمانده بحث می‌کنند و برای حذف یک مظنون رأی می‌دهند (ماتسوموتو، ۲۰۱۹، ص ۵۷). بازی تا زمانی ادامه می‌یابد که یک جناح به شرط برد خود برسد. برای شهروندان، این معمولاً به‌معنای حذف اقلیت منفی است، در حالی که برای اقلیت، معمولاً به‌معنای برابری عددی با روستا و حذف هر گروه منفی رقیب است (هیراتا، ۲۰۱۶، ص ۹۳).

در ساده‌ترین شکل، دو تیم در بازی مافیا حضور دارند: گرگینه‌ها یا مافیا و روستاییان یا شهروند. بازی‌های زنده به ناظری احتیاج دارند که به‌عنوان بازیکن شرکت نمی‌کند و هویت‌ها با تقسیم کارت‌ها تعیین می‌شود. در ابتدای بازی، به هر گرگینه هویت هم‌تیمی‌های خود داده می‌شود، در حالی که سایرین فقط تعداد گرگینه‌های بازی را دریافت می‌کنند و نمی‌دانند کدام بازیکنان گرگینه و کدام یک روستایی هستند (کمپستوری، ۲۰۱۵، ص ۷۱).

در یک تنظیم باز، تعداد هر نقش قدرت (به عنوان مثال شبه نظامیان) موجود در بازی برای بازیکنان شناخته شده است؛ در حالی که در یک تنظیم بسته، این اطلاعات فاش نمی شود و در یک تنظیم نیمه باز، فقط اطلاعات محدود یا آزمایشی در مورد نقش های قدرت آشکار می شود (جکسینودرز، ۲۰۲۰، ص ۱۱). بنابراین، در یک تنظیم باز یا نیمه باز، اگر مشخص شود که هیچ شبه نظامی در بازی حضور ندارد، برای گرگینه امکان پذیر نیست که به طور منطقی ادعا کند که نقش شبه نظامی را دارد (بولفینگ، ۲۰۲۳، ص ۲۳).

در بازی دو مرحله وجود دارد: شب و روز. در شب، بازیکنان نقش دار مخفیانه اقداماتی را انجام می دهند. در طول روز، بازیکنان با بحث و رأی گیری تصمیم به شناسایی مافیا و حذف آن می گیرند. این مراحل با یکدیگر متناوب می شوند تا زمانی که همه گرگینه ها از بین بروند یا به برابری عددی با روستایان برسند. در حقیقت، در طول روز اعضای مافیا، با ایجاد دروغ و تظاهر به شهروند بودن خود، اقدام به فریب شهروندان و اقناع آنان می نمایند که در نهایت در صورت موفقیت دروغ آنان و راست پنداری آن دروغ از سوی شهروندان واقعی، بازی به نفع مافیا پیش خواهد رفت و با حذف تمامی شهروندان، مافیا برنده نهایی این بازی خواهد شد (کندن، ۲۰۱۹، ص ۵۷).

۳) شناخت لعب یا بازی

هر گونه فعالیت به غایت سرگرمی، نشاط و مشغولیت است که انگیزه از آن وصول به انتفاع، فایده و یا محصولی مشخص نباشد. در فقه و حقوق اسلامی، بازی یکی از مفاهیم بنیادین با رویکردهای متعدد ضمنی و بسیار وسیع جامعه شناسی و روان شناختی است. در قرآن کریم و روایات که از منابع استنباطی احکام شریعت به شمار می روند، چنین نمایان است که واژه لعب (معادل بازی) بر کاربرد کنونی آن در عصر نوین، دارای تطابق نمی باشد. شاید بتوان ادعا نمود بر اساس آموزه های لغویون عرب ذیل واژه «لعب» جدی نبودن و عدم وجود غرض عقلایی مورد نظر است (ابن منظور، ۱۴۱۱ق، ج ۲۳، ص ۱۶۹).

در قرآن کریم نیز «لعب» غالباً با همین جنبه منفی مورد نظر بوده است. بر همین مضمون، مفسران در تفسیر آیه ۱۲ سوره یوسف «أَرْسَلَهُ مَعَنَا عَدَاوَةً يَرْفَعُ وَ يَلْعَبُ» (یوسف: ۱۲) که در آن

به یوسف، و بنابر برخی قرائت‌ها، به برادران وی، نسبت بازی داده شده و از سیاق آیات قبل و بعد نیز برمی‌آید که یعقوب اعتراضی بدان نداشته، دچار مشکل شده‌اند. چنان‌که برخی به کودکی و مکلف نبودن یوسف اشاره کرده‌اند؛ برخی منظور قرآن کریم را بازی‌های مباح دانسته و عده‌ای به استناد آیه ۱۸ سوره یوسف، بنابر اخبار برادران یوسف از «استباق» خود، بازی را به تیراندازی و اسب‌سواری تفسیر نموده‌اند که به دلیل وجود آثار مفید، می‌توان چنین افعالی را خالی از لهو و دارای انتفاع عقلایی دانست (طبرسی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۵۹؛ زمخشری، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۱۰۲). نمایان است که متبادر از واژه «لعب»، افعال غیرعقلایی و بدون قصد جد بوده است. البته بنابر رأی برخی مفسران اگر واژه «استباق» مصداق موضوع «لعب» باشد، می‌توان این نظر را قبول نمود که سرگرمی، عدم وجود قصد جد و از یاد خدا بازداشتن، در معنای اصلی واژه بازی وجود ندارد. این احتمال نیز متصور می‌باشد که کاربرد لعب برای استباق، مجاز می‌باشد و خالی از حقیقت است؛ بدین دلیل که در اخبار نیز واژه لعب برای بازی‌های ورزشی و رزمی به کار نرفته، همان‌گونه که در کلام عرب معاصر، بازی‌های ورزشی با عنوان «الرياضة» قابل ذکر است.

۳-۱) لعب در نگاه فقه

در دیدگاه شریعت بازی دارای چهار قسم می‌باشد:

۱. بازی با ابزارهای مرسوم و متعارف و چه‌بسا با منشأ قماری، به همراه قرارداد برد و باخت (مَعَ الْمُرَاهَنَةِ، مَعَ الرِّهْنِ).
 ۲. بازی با همان ابزارها بدون قرارداد برد و باخت.
 ۳. بازی با ابزارهای غیرقماری یا بدون ابزار خاص همراه با قرارداد برد و باخت.
 ۴. بازی غیرقماری بدون قرارداد برد و باخت.
- هرچند که هریک از اقسام مذکور دارای حکم خاص فقهی و مناقشات مختلف می‌باشند؛ اما آنچه که در پژوهش پیش رو متعین است، بررسی فقهی قسم چهارم بازی یا همان بازی غیرقماری بدون قرارداد برد و باخت می‌باشد؛ زیرا متعارف از بازی مافیا، شمولیت قسم چهارم نسبت به این بازی می‌باشد.

۴) کذب یا دروغ

در تعریف ماهیت کذب یا دروغ با صرف نظر از اختلافات و تفاوت‌ها، عالمان علوم گوناگون همچون فقیهان، لغویون، متکلمان و فیلسوفان به بیان ماهیت آن پرداخته‌اند که قدر متیقن این ماهیت عبارت است از؛ اخبار از روی عدم تطابق آن با واقعیت و درستی (تفتازانی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ص ۷۰۴؛ انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۴۱). هرچند که دروغ‌گویی مختص مقام اخبار (خبردهی) می‌باشد و شامل مقام انشا نمی‌گردد؛ اما در فرضی که انشا به حصول خبر بیانجامد، تحریم کذب شامل انشا نیز خواهد گشت^۱ (کاشف الغطاء، ۱۴۰۷ق، ص ۲۷۵). همانند مدح انسان مذموم و ذم انسان ممدوح؛ در حقیقت این دو جمله دو مثال هستند برای انشائی که از چیزی خبر می‌دهد و در آن حکم دروغ جاری می‌گردد. در توضیح تفصیلی باید بیان داشت که سخن مدح‌کننده که می‌گوید «زید مرد خوبی است» انشائی است که از چیزی خبر می‌دهد و آن خبر این است که زید مورد مدح اوست و حال آن که فرض آن است که زید مذموم اوست؛ بنابراین خبری که به وسیله انشا از آن خبر داده می‌شود مطابق با واقع نیست و به این اعتبار، سخن مدح‌کننده که می‌گوید: «زید مرد خوبی است» در حکم دروغ خواهد بود. همچنین است در طرف ذم کسی که ممدوح اوست و ذم‌کننده می‌گوید: «زید مرد بدی است».

۵) ماهیت بازی مافیا

آن‌چه که در فرآیند بازی مافیا از نگاه فقهی نمایان است، لزوم بررسی حکم فقهی کذب (دروغ‌گویی و فریب) در بازی و نیز حکم کلی ماهیت لعب یا همان بازی بدون در نظر گرفتن هرگونه ویژگی‌های خاص آن بازی (همچون قمارگونه بودن آن و یا غیرقماری بودن آن) می‌باشد. در حقیقت آن‌چه که در مفهوم‌شناسی از بازی مافیا تبیین گردید، شاهد این سخن خواهد بود که در فرض جواز صدور کذب (دروغ‌گویی و فریب) در بازی و نیز جواز حکم کلی ماهیت لعب بدون در نظر گرفتن هرگونه ویژگی‌های خاص آن، بازی مافیا دارای تغایر

^۱ أَنَّ الْكَذِبَ وَ إِن كَانَ مِنْ صِفَاتِ الْخَبَرِ، إِلَّا أَنَّ حَكْمَهُ يَجْرِي فِي الْإِنْشَاءِ الْمُنْبِيِّ عَنْهُ، كَمَدْحِ الْمَذْمُومِ، وَ ذَمِّ الْمَمْدُوحِ، وَ تَمَتِّي الْمَكَارِهِ، وَ تَرْجِيهِ غَيْرِ الْمَتَوَقَّعِ، وَ إِيْجَابِ غَيْرِ الْمَوْجِبِ، وَ نَدْبِ غَيْرِ النَّادِبِ، وَ وَعْدِ غَيْرِ الْعَازِمِ.

فقهی نبوده و مکلفان می‌توانند به انجام این سرگرمی بپردازند؛ اما اگر بر اساس ادله فقهی چنین اثبات گردد که کذب و دروغ‌گویی آن‌هم به نیت شوخی و مزاح دارای حکم حرمت می‌باشد و یا نیز بر اساس دیگر ادله فقهی اثبات شود که ماهیت لعب و یا بازی (با صرف نظر از قمارگونه بودن و یا نبودن آن) با توجه به عمومیت و اطلاق روایات دارای حکم حرمت می‌باشد، بازی مافیا نیز تحت حکم تحریم قرار گرفته و انجام آن مستوجب عقاب الهی خواهد بود.

در ارتباط با آرا و استفتائات فقهای معاصر تشیع پیرامون حکم فقهی بازی مافیا نیز باید توجه داشت که در عین ابتلای فراوان جوامع مسلمان و اشتغال مکلفان به سرگرمی مذکور، تنها تعدادی اندک از مراجع شیعه به بیان حکم فقهی آن در قالب استفتا شرعی پرداخته‌اند که ذکر آرای ایشان خالی از لطف نمی‌باشد. برخی از فقیهان بر این باورند که اگر بازی مافیا مفسده‌ای مانند ترویج یا عادت به دروغ‌گویی نداشته باشد، دارای اشکال نمی‌باشد. آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) و آیت‌الله مکارم شیرازی: اگر مفسده‌ای (مانند ترویج یا عادت به دروغ‌گویی) نداشته باشد و نیز همراه با شرط‌بندی نباشد (برد و باخت به گونه‌ای که از بازنده چیزی به برنده داده شود) فی‌نفسه اشکال ندارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ش ۴۲۳۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۰۲، ش ۲۳۳۴۵). برخی دیگر نیز بر این باورند که اگر انجام بازی مافیا موجب رواج و عادت به دروغ‌گویی در غیر بازی مافیا نگردد، اشتغال به بازی مافیا جایز است. آیت‌الله شبیری زنجانی: اگر موجب دروغ‌گویی در غیر بازی نشود، اشکالی ندارد (شبیری زنجانی، ۱۴۰۲، ش ۱۷۱۲۰). در آخر نیز برخی فقیهان با نگاه به تحریم کذب، بازی مافیا را تحریم نموده و ممنوعیت آن را اعلام می‌دارند. آیت‌الله سیستانی: دروغ جایز نیست (سیستانی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۳).

۶) تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی)

دروغ حرام است؛ به دلیل حکم ضروری و بدیهی عقول و ادیان و نیز بر اساس کتاب، سنت، اجماع و عقل (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۵۷). حال باید توجه داشت که از ظاهر برخی روایات، تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) نیز برمی‌آید. در مرسله‌ای از سیف بن عمیره از امام باقر (ع) آمده است: امام باقر (ع) فرمود که پدرم علی بن الحسین (ع) به فرزندانش می‌فرمود: «از دروغ گفتن پرهیزید، چه بزرگ باشد و چه کوچک، شوخی باشد و یا جدی، زیرا

شخص وقتی که در چیز کوچک دروغ بگوید به بزرگش نیز جرأت پیدا می‌کند. مگر نمی‌دانید که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: بنده خدا همواره راست گوید تا خداوند او را راستگو نویسد و پیوسته دروغ بگوید تا پروردگار او را دروغگو نویسد»^۱ (حرعاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۵۷۳).

در مقام بررسی سندی این روایت نیز باید بیان داشت که روایت مذکور از نگاه سندی، دارای ارسال می‌باشد و حجیت آن تضعیف می‌گردد؛ اما با عنایت به استناد فقها به این روایت و مقبوله بودن آن، امکان جبران ضعف سند فراهم می‌گردد؛ زیرا امکان حکم به تحریم کذب به هزل صرفاً به استناد دو روایت مذکور امکان‌پذیر است و حال آن که فقها به تحریم کذب به هزل حکم داده و تصریحاً اعلام می‌دارند که دلیل بر تحریم، دو روایت موجود می‌باشند.

و از نگاه دلالتی نیز خدشه‌ای بر این اساس بدان وارد است که خواننده روایت نمی‌داند که امام زین‌العابدین (ع) از جهت امامت چنین نهی و مذمت نموده است و یا آن که از نگاه پدرانه خود خطاب به فرزندان فرموده‌اند که از دروغ برحذر باشید، که البته این خدشه نیز وارد نمی‌باشد؛ زیرا بنابر اصل اشتراک احکام، آنچه که بر فرزندان معصوم (ع) ممنوع بوده و ایشان فرزندان خود را از آن برحذر داشته است، بر دیگر مکلفان نیز همین حکم را خواهد داشت.

همچنین صحیحی دیگری از حارث ابن اعور از امیرالمؤمنین (ع) که می‌فرمایند: «دروغ کار ناشایستی است؛ چه شوخی باشد و چه جدی. و کسی که به فرزندش وعده‌ای دهد و انجام ندهد دروغ نیست. دروغ آدمی را به پرده‌داری می‌کشاند و پرده‌داری به آتش دوزخ هدایت می‌کند. برخی از شما پیایی دروغ می‌گویند تا این که او را به دروغگو و هرزه خواهید شناخت. برخی از شما پیایی دروغ می‌گویند تا این که در قلب او نشانی از صدق و صفا نماند و پیش خداوند بسیار دروغ‌گو شناخته شود»^۲ (صدوق، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۴۵).

^۱ سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ لَوْلَيْدِهِ إِتَّقُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزَلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ مَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَصْدُقُ حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ صَدِيقًا وَمَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَكْذِبُ حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ كَذَابًا.

^۲ الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَصْلُحُ مِنَ الْكَذِبِ جِدٌّ وَلَا هَزَلٌ وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ ثُمَّ لَا يَتَّقِي لَهُ إِنْ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَالْفُجُورُ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ يَكْذِبُ حَتَّى يُقَالَ كَذَبٌ وَفَجَرَ وَمَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ يَكْذِبُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي قَلْبِهِ مَوْضِعٌ إِثْرَ صِدْقٍ فَيَسْمَى عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا.

در مقام بررسی سندی روایت مذکور باید بیان داشت که این روایت را صدوق در مجالس یعنی در امالی خود به رشته نقل و تحریر آورده است، اما از نگاه سند مجهول بوده و حجیت صدوری ندارد که البته همانند روایت گذشته اتکای فقها بدین روایت و در حقیقت عمل اصحاب بدان، موجب انجبار ضعف سندی آن می‌گردد.

همچنین دلالت این روایت بر تحریم مطلق کذب (کذب به هزل) روشن بوده و صرفاً در مقام خدشه می‌توان بیان داشت: «مقارنت خلف وعده با کذب، قرینه بر عدم استفاده حرمت کذب از روایت است؛ زیرا باید توجه داشت که خلف وعده نزد مشهور علما جائز است» که این خدشه ناتمام است؛ زیرا نوع فقها در جواز خلف وعده اشکال داشته و معاصران بر وجوب احتیاط حکم نموده‌اند و روایات داله بر تحریم نیز استحکام دارد (شهیدی‌پور، ۱۳۹۷، ج ۱۱، ص ۲). در نتیجه جواز خلف وعده مسلم نبوده تا بتوان در این مقام بدان آن استفاده نمود. مضافاً بر این که در صورت تسلیم بر جواز، چه دلیلی را می‌توان ادعا نمود که از ظهور فقره اول در تحریم، رفع ید گردد. بلکه مقام پیش رو همچون اغتسل للجمعة و الجنابة خواهد بود که حکمی استحبابی و حکمی الزامی در جمله‌ای واحد بیان گردیده است.

حال باید بیان داشت که بر اساس ظاهر دو خبر اخیر، به‌ویژه از مرسله سیف ابن عمیره چنین برمی‌آید که تحریم دروغ شامل دروغ‌گویی به شوخی (بازی) نیز می‌شود و در حقیقت دروغ‌گویی در مقام هزل و لعب نیز دارای حکم حرمت می‌باشد. البته حرمت دروغ‌گویی به شوخی از عمومات و اطلاقات روایات فراوان تحریم کذب نیز برمی‌آید که برخی از نامداران فقه بدان اشاره نموده‌اند (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۷۸) «ويحتمل غير بعيد حرمة كذب الهزل؛ لعموم ما تقدم، خصوصاً الخبرين الأخيرين، والنبوي في وصية أبي ذر رضي الله عنه؛ لأن الأكاذيب المضحكة أكثرها من قبيل الهزل».

در نگاه قرآن کریم نیز مطلق کذب و دروغ‌گویی در آیات متعددی مورد نهی و لعن قرار گرفته است که با استناد به عمومیت آن می‌توان در صدد حکم تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) برآمد، که نتیجه آن تحریم بازی مافیا می‌باشد. همچون در سوره نور که خداوند می‌فرماید: «وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (نور: ۷). همچنین است

کلام خداوند در سوره نحل که می‌فرماید: «إِنَّمَا يُفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ» (نحل: ۱۰۵).

در نهایت از مجموع آیات و روایات چنین برمی‌آید که عمومیت ادله مذکور، بیانگر عدم تخصیص، و اطلاق در این ادله بیانگر عدم تقیید حکم تحریم کذب می‌باشد که این امر، خود شامل انواع کذب همچون کذب جد و هازل می‌گردد.

در نتیجه وجود قصد جد در تحریم کذب و دروغ‌گویی الزامی نمی‌باشد و در تحقق صدق و کذب تأثیری نخواهد داشت. هرچند برخی بزرگان در مقام جواز توره بر این باورند؛ از آن جهت که ظاهر با قصد متکلم متفاوت است و متکلم ظاهر را نمی‌نماید (بلکه غیر ظاهر را اراده می‌کند)، توره دارای حکم جواز خواهد بود (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۵). اما باید توجه داشت که ظواهر و مفاهیم عرفی از کلام متکلم، دارای حجیت می‌باشد. در حقیقت ظواهر و مفاهیم عرفی نباید خلاف واقع باشد تا کذب محقق نشود. حال این شیوه در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، حقوقی و... ملل مختلف نیز همین‌گونه است؛ که ظاهر کلمات سخنوران دارای حجت است و بر اساس آن حکم می‌کنند.

حال در صورت وجود قرینه بر قصد عدم جد (هزل) در مقام کذب، باید بیان داشت که با توجه به عدم ظهور و تفاهم عرفی در تحقق کذب، این قسم از کذب به هزل دارای حکم تحریم نمی‌باشد که معاصران نیز همچون امام خمینی (ره)^۱ و آیت‌الله مکارم شیرازی^۲ بدان اشاره نموده‌اند (خمینی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۱۷).

در ارتباط با امکان استناد به عمومیت ادله تحریم و نیز اطلاق آن ادله مبنی بر تحریم هر نوع کذب و دروغ‌گویی باید بیان داشت که اشکالاتی نظیر عدم وجود بازی مافیا در عصر شریع و عدم امکان استناد به احکام قرآنی-روایی بر موضوعات غیرقابل تصور در زمان شریع

^۱ إِنَّ الظَّاهِرَ أَنَّ الْأَخْبَارَ الْمَطْلُوقَةَ مَنْصَرِفَةً عَنِ الْكَذِبِ فِي مَقَامِ الْهَزْلِ وَإِنْ فُرِضَ الْإِخْبَارُ بِالْوَقْعِ لِهَذَا الْغَرَضِ، لَكِنْ مَعَ قِيَامِ قَرِينَةٍ حَالِيَةٍ أَوْ مَقَالِيَةٍ شَاهِدَةٍ عَلَى الْهَزْلِ، كَمَا لَوْ كَانَ الْمَجْلِسُ مِنَ الْمَجَالِسِ الَّتِي أُعِدَّتْ لَهُ.

^۲ لَا تَدُورُ الْمَحْرَمَاتُ مَدَارَ الْمَفَاسِدِ الْفَرْدِيَّةِ، بَلِ النُّوعِيَّةِ، فَإِذَا شَمِلَ عُنْوَانُهَا لِمَصْدَاقٍ جَرَى عَلَيْهِ حُكْمُهُ؛ نَعَمْ، إِذَا قَامَتِ الْقُرَائِنُ الْحَالِيَّةُ أَوْ الْمَقَالِيَّةُ عَلَى إِرَادَةِ الْمَجَازِ أَوْ الْكُنَايَةِ مِنَ الْفَلِظِ وَ لَوْ لَكُونَهُ فِي مَقَامِ الْهَزْلِ، خَرَجَ مِنْ عُنْوَانِ الْكَذِبِ لَوْجُودُ الْقَرِينَةِ، كَمَا هُوَ ظَاهِرٌ؛ فَالْأَحْوَطُ لَوْلَمْ يَكُنْ أَقْوَى وَجُوبُ الْاجْتِنَابِ عَنِ الْجَمِيعِ إِلَّا فِي مَوَارِدِ قِيَامِ الْقَرِينَةِ مِمَّا لَا يَسْمَى كَذِبًا.

(به دلیل آن که موضوعات نوپدید فاقد قصد بیان شارع مقدس بوده است)، خالی از اعتبار است. زیرا باید توجه داشت که حکم تحریم بازی مافیا معلل به علت تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) بوده و در حقیقت بازی مافیا مصداقی از موضوع کذب به هزل به شمار می‌رود و ادله قرآنی-روایی تحریم دروغ با توجه به عمومیت و اطلاق خود شامل موضوع کذب به هزل می‌گردند نه آن که مستقیماً بازی مافیا را از مصادیق خود قرار دهند؛ بلکه بازی مافیا صرفاً از مصادیق کذب به هزل به شمار می‌آید، و حال آن که موضوع کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) نوپدید و مستحدثه نبوده و در حقیقت اشکال مذکور در ارتباط با موضوع پژوهش پیش رو سالبه به انتفاء موضوع محسوب می‌گردد.

حال در فرض پذیرش عدم امکان استناد به عمومات و اطلاقات تحریم کذب و نیز قبول مصداقیت بدون واسطه بازی مافیا تحت این عمومات و اطلاقات، باید بیان داشت که اشکالات مطروحه پیرامون چالش‌های بهره‌گیری از عمومات و اطلاقات ادله استنباطی احکام فقهی در بررسی موضوعات نوپدید و مستحدثه، مردود می‌باشند.

برخی از فقیهان در ارتباط با فقدان قصد گوینده به دلیل فقدان علم به موضوعات نوپدید بر این باورند که مقصود بودن مصادیق جدید همچون بازی مافیا در بیان گوینده از نگاه عرف عقلاً پذیرفته نیست (نجفی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۷۰)؛ زیرا مسلم است که گوینده سخن از وجود مصادیق نوپدید و مستحدثه آگاهی ندارد تا قصد کند و با وجود علم به فقدان قصد متکلم، انطباق معنای لفظ بر مصادیق جدید نمی‌تواند دارای حجیت باشد.

در مقام نقد این اشکال باید بیان داشت که علاوه بر این که پیش‌بینی پیدایش موضوعات نوین در عصور پیش رو برای هر یک از عقلاً متعارف است، باید توجه داشت که سخن فوق در مورد شارع حکیم قابل قبول نیست. زیرا وی آگاه به ترقی جهان خلقت و پیدایش ابتلائات نوین در هستی است و از طرفی اعلان خاتمیت دین از سمت وی، چنین نمایان می‌سازد که بر مولی حکیم واجب است تا با استفاده از عموم و اطلاق ادله حکم فقهی موضوعات مذکور را روشن سازد. همچنین مقصود نبودن آن‌ها در نزد عرف به جهت غفلت عرف از وجود مصادیق آینده است و ربطی به اراده متکلم آگاه ندارد و اساساً نگاه عرف در مورد مقصود نبودن مصادیق جدید

با فرض جهل او به وجود موضوع مطرح شده است و با فرض التفات به وجود مصادیق جدید برای معنای لفظ امر برعکس می‌شود یعنی قصد نکردن آن‌ها را خلاف ظاهر می‌بیند؛ زیرا با وجود صدق حقیقی یا انطباق معنا و جهی برای استثنای آن از شمول لفظ پیدا نمی‌کند.

در ارتباط با اشکال فقدان مقام بیان بودن عمومات ادله و اطلاقات ادله تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی)، برخی اصولیان اطلاقات قرآن و سنت را در مقام اجمال دانسته و در نتیجه اطلاقات مذکور را قابل استناد ندانسته‌اند (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۴۵). حال اگر اشکال مذکور مبنی بر عدم بیان اطلاقات کتاب و سنت قابل طرح باشد، در ارتباط با عمومات کتاب و سنت نیز چنین جاری خواهد بود؛ زیرا بنابر تصور صحیح در دلالت عام بر عموم در علم اصول، اطلاق ماده یا مدخول ادات عموم شرط است.

حال در مقام نقد این اشکال باید توجه داشت؛ اصل بر آن است که گوینده کلام در مقام بیان است، مگر دلیلی برخلاف آن ثابت شود، که در این باره تفاوتی میان کلام خداوند متعال و بندگان متصور نمی‌باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۴۸). همچنین با توجه به روش و سیره ائمه معصومین (ع) در استناد به عمومات و مطلقات آیات قرآن کریم و بیان روش صحیح استنباط احکام فقهی و معارف دینی از قرآن کریم، نبودن خطابات الهی در مقام بیان سخنی گزاف به‌شمار می‌آید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۳). در نهایت نیز اشکال مذکور با معیار بودن قرآن و سنت در تمیز روایات معتبر یا در ترجیح اخبار متعارض منافات دارد؛ در حالی که معیار مذکور به‌صراحت در روایات متعدد وارد شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۲). حال که امکان استناد به عمومات و اطلاقات ادله تحریم کذب فراهم آمد، دیگر فرصت به استعمال اطلاق مقامی نمی‌گردد تا چنین محذور آید که عرف عقلا ممکن است مخالف چنین اطلاقی باشند. همچنین باید توجه نمود مجرای استناد به اطلاق مقامی در فرضی نمایان است که امکان اجرای اطلاق لفظی محال باشد (مشکینی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۸) و حال آن‌که ادله تحریم مطلق کذب در چندین مورد تقیید خورده‌اند (جواز کذب از روی تقیه و...) و وقوع تقیید ادله تحریم بیانگر امکان اطلاق آن می‌باشد؛ زیرا رابطه اطلاق و تقیید از باب ملکه و عدم ملکه می‌باشد.

در نهایت سخن توجه به این نکته نیز ضروری خواهد بود که در فرض عدم پذیرش

استناد به عمومات و اطلاعات، حکم تحریم بازی مافیا پابرجا خواهد بود. زیرا وجود روایات اختصاصی دال بر تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) پژوهشگران را از استناد به عمومات و اطلاعات تحریم کذب بی‌نیاز می‌سازد.

حال بر این اساس همان‌گونه که در شیوه نامه بازی مافیا در مفهوم‌شناسی بیان شد؛ اساس پیروزی اعضای مافیا در این بازی، تبحر در دروغ‌گویی و فریب شهروندان می‌باشد که این خود مصداقی بارز از موضوع حرمت کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) می‌باشد. البته باید توجه داشت که تاکنون بنای پژوهشگر مبنی بر این مسئله بود که دروغ‌گویی و فریب اعضای مافیا از افراد موضوع کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) می‌باشد، که قدر متیقن در این موضوع نیز همین‌گونه می‌باشد. اما اگر با وسعت نظر بر این باور شویم که دروغ‌گویی و فریب اعضای مافیا از افراد موضوع کلی کذب (کذب در مقام جد) است، بی‌شک تحریم بازی مافیا نمایان خواهد بود.

۷) بررسی حکم فقهی بازی

آن‌چه در این فرصت مورد نظر است؛ واکاوی و استنباط حکم فقهی ماهیت بازی با صرف‌نظر از نوع بازی می‌باشد (بازی قمارگونه و مشروط به برد و باخت باشد و یا آن‌که خالی از هرگونه شرط و قمار باشد؛ چه بازی مافیا و یا دیگر بازی‌های رایج). حال در فرضی که حکم تحریم ماهیت بازی با صرف‌نظر از نوع و ویژگی‌های آن و صرفاً به دلیل لغو و لهوی (از روی خوش‌گذرانی) بودن آن از ادله فقهی استنباط گردد، بازی مافیا نیز همچون دیگر بازی‌ها، محکوم به حکم حرمت خواهد بود.

۷-۱) اشتراک معنوی لعب و لهو

تنها در صورتی می‌توان حکم تحریم مطلق بازی را از ادله فقهی استنباط نمود که لهو و لعب را از یک معنا دانست و قائل به اشتراک معنوی آنان شد. زیرا در این فرض اخبار و ادله متعددی بر تحریم مطلق لهو دلالت دارند که در فرض اشتراک معنوی لهو و لعب، این حرمت شامل موضوع لعب نیز خواهد گشت.

آن‌چه که از کلام برخی فقیهان نمایان است، اشتراک معنوی لهو و لعب می‌باشد که در

مقام تأیید این نظریه می‌توان چنین بیان داشت: آن‌چه که در بیان اهل لغت نیز نمایان است، یکسانی معنای لهو و لعب را در پی دارد. در حقیقت لغت‌دانان در ذیل ماده (ل ه ی) لهو را بر لعب یا همان مطلق بازی کردن تعریف نموده و هر دو واژه را مترادف یکدیگر می‌دانند (جوهری، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۲۴۸۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۳۸۸). بر همین مضمون برخی از فقیهان آورده‌اند: در مسئله بازی با کبوتر بدون شرط‌بندی؛ بازی با هر چیزی قبیح (حرام) است^۱ (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۲۴). در توضیح و یاری این رأی که در سرائر آمده است، برخی از نامداران فقه آورده‌اند: آیات و روایاتی که بر قبح بازی دلالت می‌کنند و بر ذم آن وارد شده‌اند، آشکارتر از آن است که مخفی باشند، و هنگامی که قبح ثابت شد، نهی از آن نیز ثابت خواهد بود. همچنین باید بیان داشت که سخن ابن‌ادریس حلی مبنی بر تحریم، به‌میزانی شاذ نبود که مخالفت اجماع را در پی نداشت، هم‌رأیی با وی در آن قول بعید نمی‌باشد^۲ (طباطبایی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۳۰).

۲-۷) تحریم بازی در پرتوی روایات

باید توجه داشت روایاتی که در تحریم بازی دارای ظهور می‌باشند، بسیارند. اما فقط برخی از آنان به‌شکل مطلق مکلفان را از انجام هر گونه بازی نهی نموده‌اند و بیشتر آنان، تحریم مطلق بازی را معلول لهوی بودن آن می‌دانند. در حقیقت، هنگامی می‌توان حکم به تحریم مطلق بازی را صادر نمود که هر نوع بازی لهوی به‌شمار آید.

از روایاتی که به تحریم مطلق بازی حکم نموده‌اند، همانند فرازی از روایت معروف تحف العقول می‌باشد که امام رضا (ع) فرمودند: «...هر چیزی که از آن و در آن فساد محض است و از آن و در آن هیچ مقدار از وجوه صلاح نیست، تعلیم، تعلم، عمل به آن و مزد گرفتن بر آن حرام است...»^۳ (حرانی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۰).

^۱ قد صرح الحلی فی مسألة اللعب بالحمام بغیر رمان بحرمته، و قال: إنَّ اللعب بجميع الأشياء قبیح.

^۲ و انتصر فی الریاض للحلی بأنَّ ما دلَّ علی قبح اللعب، و ورد بذمة من الآیات و الروایات، أظهر من أن یخفی، فإذا ثبت القبح ثبت النهی، ثم قال: و لولا شذوذه بحیث کاد أن یكون مخالفاً للإجماع لکان المصیر إلی قوله لیس بذلك البعید.

^۳ فکلُّ ما یَعْلَمُ العبادُ أَوْ یَعْلَمُونَ غَیْرَهُمْ مِنْ صُنُوفِ الصَّنَاعَاتِ مِثْلُ الْکِتَابَةِ وَ الْحِسَابِ وَ الْتِجَارَةِ وَ الصَّیَاغَةِ وَ السِّرَاجَةِ وَ الْبِنَاءِ وَ

در مقابل، روایات متعددی یافت می‌شود که تحریم بازی به دلیل لهوی بودن آن است، و گرنه صرف انجام بازی منهی عنه نمی‌باشد. در حقیقت، بر اساس این روایات تنها در صورتی می‌توان حکم به تحریم بازی مافیا نمود که لهوی بودن آن اثبات گردد. از آنجا که تعدد این گونه از روایات فراوان است، به ذکر منبع اکتفا می‌گردد (حرعاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۹).

۷-۳) انتقاد بر اشتراک معنوی لهو و لعب (تحریم بازی)

هرچند که ظاهر عبارات برخی لغت‌شناسان و فقیهان مترادف بودن آن دو لعب و لهو در مقام معنا می‌باشد، باید توجه داشت که در قرآن کریم، در موارد بسیاری این دو، بر هم عطف شده‌اند (انعام: ۳۲؛ عنکبوت: ۶۴؛ حدید: ۲۰)، و مقتضای عطف برهم، تغایر معنوی آن‌هاست. البته ممکن است که لعب و لهو نیز همانند «فقیر» و «مسکین» باشند که هر گاه در یک جمله جمع شوند معنایشان از هم جداست و هر گاه جدا از هم استعمال شوند، معنایشان یکی است و بنابر این که آن دو، معنای متفاوت داشته باشند؛ شاید معنای «لعب» شامل حرکات کودکانه‌ای باشد که برخاسته از قوای شهوی نیست، و «لهو» به معنای حرکاتی باشد که نفس از آن لذت می‌برد و از قوای شهوی برمی‌خیزد.

الْحَيَاةَ وَالْفَصَارَةَ وَالْخِيَاطَةَ وَصُنْعَةَ صُنُوفِ التَّصَاوِيرِ مَا لَمْ يَكُنْ مَثَلُ الرُّوحَانِيَّةِ وَالتَّوَحُّدِ وَالْآلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ الَّتِي مِنْهَا مَنَافِعُهُمْ وَبِهَا قَوَائِمُهُمْ وَفِيهَا بُلْغَةُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فَعَلُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَفِيهِ لِنَفْسِهِ أَوْ لِغَيْرِهِ وَإِنْ كَانَتْ تِلْكَ الصَّنَاعَةُ وَتِلْكَ الْآلَةُ قَدْ يُسْتَعَانُ بِهَا عَلَى وُجُوهِ الْفَسَادِ وَوُجُوهُ الْمَعَاصِي وَيَكُونُ مَعُونَةً عَلَى الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ فَلَا بَأْسَ بِصِنَاعَتِهِ وَتَعْلِيمِهِ نَظِيرَ الْكِتَابَةِ الَّتِي هِيَ عَلَى وَجْهِ مِنْ وُجُوهِ الْفَسَادِ مِنْ تَقْوِيَةِ مَعُونَةٍ وَلَاءٍ وَلَاءِ الْجَوْرِ وَكَذَلِكَ السِّبْكِينِ وَالسِّنْفِ وَالزُّمُحِ وَالْقَوْسِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ وُجُوهِ الْآلَةِ الَّتِي قَدْ تُصَرَّفُ إِلَى جِهَاتِ الصَّلَاحِ وَجِهَاتِ الْفَسَادِ وَتَكُونُ آلَةً وَمَعُونَةً عَلَيْهِمَا فَلَا بَأْسَ بِتَعْلِيمِهِ وَتَعْلُمِهِ وَأَخْذِ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَفِيهِ وَالْعَمَلُ بِهِ وَفِيهِ لِمَنْ كَانَ لَهُ فِيهِ جِهَاتُ الصَّلَاحِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ وَ مُحَرَّمٌ عَلَيْهِمْ فِيهِ تَصْرِيفُهُ إِلَى جِهَاتِ الْفَسَادِ وَالْمُضَارَّةِ فَلَيْسَ عَلَى الْعَالِمِ وَالْمُتَعَلِّمِ إِثْمٌ وَلَا وَرْزٌ لِمَا فِيهِ مِنَ الرُّجْحَانِ فِي مَنَافِعِ جِهَاتِ صِلَاحِهِمْ وَقَوَائِمِهِمْ بِهِ وَبَقَائِهِمْ وَإِنَّمَا الْإِثْمُ وَالْوَرْزُ عَلَى الْمُتَصَرِّفِ بِهَا فِي وُجُوهِ الْفَسَادِ وَالْحَرَامِ وَذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي حَرَّمَ هِيَ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا نَظِيرَ الْبَرَابِطِ وَالْمَرَامِيرِ وَالسَّطَرِجِ وَكُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَالصُّلْبَانِ وَالْأَصْنَامِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِيَةِ الْحَرَامِ وَمَا يَكُونُ مِنْهُ وَفِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَلَا يَكُونُ فِيهِ وَلَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَتَعْلُمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَأَخْذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ صِنَاعَةً قَدْ تُصَرَّفُ إِلَى جِهَاتِ الصَّنَائِعِ وَإِنْ كَانَ قَدْ يُصَرَّفُ بِهَا وَيُتَأَوَّلُ بِهَا وَجْهٌ مِنْ وُجُوهِ الْمَعَاصِي فَلَعَلَّهُ لِمَا فِيهِ مِنَ الصَّلَاحِ حَلَّ تَعْلُمُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَيَحْرُمُ عَلَى مَنْ صَرَفَهُ إِلَى غَيْرِ وَجْهِ الْحَقِّ وَالصَّلَاحِ فَهَذَا تَفْسِيرُ بَيَانِ وَجْهِ إِكْتِسَابِ مَعَاشِ الْعِبَادِ وَتَعْلِيمِهِمْ فِي جَمِيعِ وُجُوهِ إِكْتِسَابِهِمْ.

بیش از یک تن از مفسران در ذیل تفسیر آیه «أَتَمَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ» (حدید: ۲۰) بر این باورند که؛ آیه مذکور در بیان لذت‌های دنیوی بر ترتیب به وجود آمدن تدریجی آن در طول عمر است و برای هر مرتبه از این پنج مرتبه، هشت سال قرار داده‌اند (در حقیقت برای لعب هشت سال و برای لهو هشت سال و برای زینت تا چهل سالگی که عقل انسان تکامل می‌یابد). در حقیقت مفسران نیز معنای لهو و لعب را متغایر از یکدیگر می‌دانند (فیض کاشانی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۳۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۳ق، ج ۳۰، ص ۲۳۳).

این نکته (عدم اشتراک معنوی لهو و لعب) از روایاتی که تحریم بازی و مسابقه را مشروط به لهوی بودن آن می‌دانند نیز نمایان است؛ زیرا در صورت اشتراک معنوی آندو، دلیلی بر تخصیص تحریم به بازی‌های لهوی وجود نداشت. حال در رابطه با روایات حرام‌کننده مطلق بازی نیز باید بیان داشت که اطلاق آن روایات حمل بر روایات متعدد مقیده به لهوی بودن بازی می‌گردد و نمی‌توان از روایات مطلق، تحریم مطلق را استنباط نمود.

بعلاوه، در برابر روایات حرام‌کننده، روایاتی مبنی بر مباح بودن مطلق بازی وجود دارد که جمع میان کلی روایات، عدم تحریم مطلق بازی را در پی خواهد داشت. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «شهادت فردی که با پرندگان بازی می‌کند مورد قبول است و مشکلی ندارد و همچنین اشکالی در شهادت شرط‌بندی نیست؛ پس همانا رسول خدا (ص) اسب‌سواری می‌کرد و مسابقه می‌داد و می‌فرمود فرشتگان در شرط‌بندی اسب‌دوانی و شتردوانی و تیراندازی حاضر شوند. غیر این موارد قمار و حرام است»^۱ (حرعاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۵۳، ص ۱۹).

در هر حال چه در صورت قبول ترادف معنوی لهو و لعب و نیز عدم پذیرش آن، هیچ یک از فقیهان متقدم و متأخر قائل به تحریم مطلق بازی (جز ابن‌ادریس حلی) نشده‌اند که شاذ بودن این نظر، اماره‌ای بر عدم قوت و صحت آن می‌باشد.

۸) نتیجه‌گیری

حال آن‌چه که در مقام استنتاج از واکاوی و تفحص ادله و موضوعات مطروحه برمی‌آید،

^۱ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا بَأْسَ بِشَهَادَةِ الَّذِي يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ وَلَا بَأْسَ بِشَهَادَةِ الْمُرَاهِنِ عَلَيْهِ فَإِنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ أُجْزِيَ الْخَيْلُ وَسَابَقَ وَكَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُ الرِّهَانَ فِي الْخُفِّ وَالْحَافِرِ وَالرَّيْشِ وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ قِمَارٌ حَرَامٌ.

بدین شرح است که بنابر تفحص در ادله فقهی، دو دلیل مذکور چنین توانایی دارند که امکان تحریم بازی مافیا را در بر داشته و فراهم آورند: ادله مبنی بر تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) و نیز ادله مبنی بر تحریم مطلق بازی با صرف نگاه از این که بازی مورد نظر قمارگونه و منحصر در آلات قمار باشد و یا خیر (بنابر ترادف معنوی لهو و لعب). حال در ادامه آن‌چه که از بررسی اولین دلیل ادعایی مبنی بر تحریم یا همان ادله تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) آشکار گردید، تحقق تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) با عنایت به عمومات ادله تحریم‌کننده مطلق دروغ و نیز روایات اختصاصی تحریم‌کننده کذب به هزل می‌باشد. هرچند که روایات مانعه مذکور از حیث سند دارای اشکالاتی می‌باشند؛ اما عنایت فقهای معاصر در استناد به این روایات در تحریم کذب به هزل (دروغ‌گویی به شوخی) موجبات انجبار ضعف سندی آنان را فراهم آورده و ارسال سند دو روایت مذکور را خالی از اثر منفی می‌سازد. اما در ارتباط با دلیل ادعایی دوم یا همان ادله مبنی بر تحریم مطلق بازی (بنابر ترادف معنوی لهو و لعب) نیز باید بیان داشت که این ادله فقهی از اثبات این مهم (تحریم مطلق بازی) قاصر می‌باشند؛ زیرا در مقام خدشه و ردع بر این دلیل ادعایی باید بیان داشت که نه تنها جمع روایات این موضوع، تحریم مطلق بازی را اثبات نمی‌نماید، بلکه ترادف معنوی لهو و لعب نیز با توجه به آیات قرآن کریم، قابلیت اثبات ندارد. در نتیجه بازی مافیا با استناد به ادله تحریم دروغ‌گویی به شوخی و قرار گرفتن در ذیل مصادیق این موضوع (کذب به هزل)، دارای حکم حرمت می‌باشد.

منابع

قرآن کریم.

۱. آخوند خراسانی، حسین. (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۲. ابن ادریس حلی، محمد. (۱۴۱۲ق). سرائر. بغداد: مكتبة الرئيسية.
۳. ابن منظور، ابوالفضل. (۱۴۱۱ق). لسان العرب. بیروت: جامعة الإسلامية الغراء.
۴. انصاری، مرتضی. (۱۴۲۰ق). المكاسب المحرمة. قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۵. تفتازانی، سعد الدین. (۱۴۱۱ق). مختصر المعانی. قم: جامعة الاسلامیة.
۶. صدوق، محمد. (۱۴۳۰ق). أمالی. قم: دار التراث اهل بیت عليهم السلام.

۷. جوهرى، محمد. (۱۴۱۱ق). الصحاح. بيروت: جامعة الإسلامية الغراء.
۸. حرانى، ابن شعبه. (۱۴۱۱ق). تحف العقول. قم: كرامت.
۹. حرعالملى، محمد. (۱۴۱۱ق). وسائل الشيعة. تهران: انتشارات كتابچى.
۱۰. خامنه اى، سيد على. (۱۴۰۱ق). استفتانات حضرت آيت الله خامنه اى. قم: انتشارات انقلاب اسلامى.
۱۱. خمينى، سيد روح الله. (۱۴۰۰ق). المكاسب المحرمة. قم: موسسه حفظ و نشر آثار امام خمينى قدس سره.
۱۲. زمخشرى، عبدالله. (۱۴۰۰ق). الكشف. بيروت: نشر القرآنية.
۱۳. راغب اصفهاني، محمد. (۱۴۲۳ق). مفردات. بيروت: نشر الاعلى.
۱۴. سيستاني، سيد على. (۱۴۰۰ق). استفتانات حضرت آيت الله سيستاني. قم: موسسه احياء تراث اهل بيت عليهم السلام.
۱۵. شبيرى زنجاني، سيد موسى. (۱۴۰۲ق). استفتانات حضرت آيت الله شبيرى زنجاني. قم: مدرسه فقهي امام باقر عليه السلام.
۱۶. شهيدى پور، محمد تقى. (۱۳۹۷). تقريرات خارج فقه مكاسب محرمه. قم: نشر مدرسه علميه حضرت آيت الله تبريزى رحمه الله تعالى.
۱۷. فخر رازى، محمد. (۱۴۲۳ق). التفسير الكبير. بيروت: جامعة الإسلامية الغراء.
۱۸. فيض كاشاني، محمد. (۱۴۲۰ق). تفسير الصافي. قم: نشر دار التراث العالمية.
۱۹. فيروزآبادى، محمد. (۱۴۳۰ق). قاموس المحيط. بيروت: مكتبة جامعة الدولية.
۲۰. طباطبايى، سيد على. (۱۴۱۰ق). رياض المسائل فى بيان الاحكام. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه.
۲۱. طبرسى، محمد. (۱۴۳۰ق). مجمع البيان، قم: جامعه مدرسين حوزه علميه.
۲۲. كلينى، محمد. (۱۴۰۷ق). الكافى، قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۲۳. مشكيني، محمد. (۱۳۸۸ق). اصطلاحات الأصول. قم: نشر الهادى.
۲۴. مكارم شيرازى، ناصر. (۱۴۰۲ق). استفتانات حضرت آيت الله مكارم شيرازى. قم: مدرسه اميرالمومنين على عليه السلام.
۲۵. مكارم شيرازى، ناصر. (۱۳۸۰ق). انوار الفقاهه فى احكام العترة الطاهرة. قم: مدرسه اميرالمومنين على عليه السلام.
۲۶. نائينى، محمد حسين. (۱۳۵۲ق). فوائد الأصول. قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۲۷. نجفى، محمد حسن. (۱۴۲۷ق). جواهر الكلام. قم: انتشارات اسماعيليان قم.
28. François Haffner (2003). «Maka Bana», Sweet November Tilsit collection Sweet Games, london: world of game.
29. Hirata Y. et al. (2016). «Game of Russa»: 93. Moscow: spectacular.

30. Kemistori, D. (2015). «Makaiyato bella», Sweet November Tilsit collection Sweet Games, london: world of game.
31. Kondoh M. (2019). Mafia The Party Game, a Game of Lying. Usa: hobbies.
32. Bluffing, E. (2023). APOSTROPHE Games. Moscow: night book.
33. Matumoso, M. (2019). Mafia Game. Usa: hobbies.
34. Jack sinoders, N. (2020). mitazh game, Sweet November Tilsit collection china: body game.

References

The Holy Qur'an.

In Persian and Arabic

1. Ākhūnd Khurāsānī, Ḥusayn. (1989). *Kifāyat al-uṣūl* [The sufficiency in principles of jurisprudence]. Mu'assasat Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth.
2. Ibn Idrīs Ḥillī, Muḥammad. (1992). *Sarā'ir* [Secrets]. Maktabat al-Ra'īsīyah.
3. Ibn Manẓūr, Abū al-Faḍl. (1991). *Lisān al-'Arab* [The Language of the Arabs]. Jāmi'at al-Islāmīyah al-Gharā'.
4. Anṣārī, Murtaḍā. (1999). *Al-Makāsib al-muḥarramah* [Forbidden transactions]. Society of the Teachers at Qom Seminary.
5. Taftāzānī, Sa'd al-Dīn. (1991). *Mukhtaṣar al-ma'ānī* [The abridged meanings]. Jāmi'at al-Islāmīyah.
6. Ṣadūq, Muḥammad. (2009). *Amālī* [Dictations]. Dār al-Turāth Ahl al-Bayt.
7. Jawharī, Muḥammad. (1991). *Al-Ṣiḥāḥ* [The authentic]. Jāmi'at al-Islāmīyah al-Gharā'.
8. Ḥarrānī, Ibn Shu'bah. (1991). *Tuḥaf al-'uqūl* [Gifts of intellects]. Karāmat.
9. Ḥurr 'Āmilī, Muḥammad. (1991). *Wasā'il al-Shī'ah* [Means of the Shi'a]. Kitābchī Publication.
10. Khamenei, Sayyid 'Alī. (2021). *Jurisprudential inquiries of His Eminence Ayatollah Khamenei*. Intishārāt-i Inqilāb-i Islāmī.
11. Khomeinī, Sayyid Rūḥ Allāh. (1980). *Al-Makāsib al-muḥarramah* [Forbidden transactions]. Institute for the Compilation and Publication of the works of Imām Khomeinī.
12. Zamakhsharī, 'Abd Allāh. (1980). *Al-Kashshāf* [The unveiler]. Al-Qur'ānīyah Publication.
13. Rāghib al-Iṣfahānī, Muḥammad. (2003). *Mufradāt* [Vocabulary]. Al-A'lā Publication.
14. Sīstānī, Sayyid 'Alī. (2000). *Jurisprudential inquiries of His Eminence Ayatollah Sīstānī*. Mu'assasat Iḥyā' Turāth Ahl al-Bayt.
15. Shubayrī Zanjānī, Sayyid Mūsā. (2022). *Jurisprudential inquiries of His Eminence Ayatollah Shubayrī Zanjānī*. Al-Imām al-Bāqir School of Jurisprudence.
16. Shahīdī Pūr, Muḥammad Taqī. (2018). *Lectures on forbidden transactions in advanced jurisprudence*. Seminary School of Ḥaḍrat Āyat Allāh Tabrīzī.
17. Fakhr al-Rāzī, Muḥammad. (2003). *Al-Tafsīr al-kabīr* [The great exegesis]. Jāmi'at al-Islāmīyah al-Gharā'.
18. Fayḍ Kāshānī, Muḥammad. (2000). *Tafsīr al-Ṣāfi* [The pure exegesis]. Dār al-Turāth al-'Ālamīyah.

19. Fayrūzābādī, Muḥammad. (2009). *Qāmūs al-muḥīṭ* [The encompassing ocean]. Maktabat Jāmi'at al-Duwalīyah.
20. Ṭabāṭabā'ī, Sayyid 'Alī. (1990). *Riyāḍ al-masā'il fī bayān al-aḥkām* [Gardens of issues in explaining rulings]. Society of the Teachers at Qom Seminary.
21. Ṭabarsī, Muḥammad. (2009). *Majma' al-bayān* [The gathering of clarification]. Society of the Teachers at Qom Seminary.
22. Kulaynī, Muḥammad. (1987). *Al-Kāfī* [The sufficient]. Society of the Teachers at Qom Seminary.
23. Mishkīnī, Muḥammad. (1968). *Iṣṭilāḥāt al-uṣūl* [Terminologies of principles of jurisprudence]. Al-Hādī Publication.
24. Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (2022). Jurisprudential inquiries of His Eminence Ayatollah Makārim Shīrāzī. Madrasat Amīr al-Mu'minīn 'Alī.
25. Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (1960). *Anwār al-fiqāha fī aḥkām al-'itra al-ṭāhira* [Lights of jurisprudence in rulings concerning the pure progeny]. Madrasat Amīr al-Mu'minīn 'Alī.
26. Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn. (1933). *Fawā'id al-uṣūl* [Benefits in principles of jurisprudence]. Society of the Teachers at Qom Seminary.
27. Najafī, Muḥammad Ḥasan. (2006). *Jawāhir al-kalām* [Jewels of speech]. Ismā'īlīyān Publication.

In English

28. Bluffing, E. (2023). *Apostrophe games*. Night Book.
29. François, H. (2003). Maka bana. In *Sweet November Tilsit collection: Sweet games. World of Game*.
30. Hirata, Y., et al. (2016). *Game of Russa* (93rd ed.). Spectacular.
31. Jack Sinoders, N. (2020). *Mitazh game*. In *Sweet November Tilsit collection*. Body Game.
32. Kemistori, D. (2015). Makaiyato bella. In *Sweet November Tilsit collection: Sweet games. World of Game*.
33. Kondoh, M. (2019). Mafia: The party game, a game of lying. Hobbies.
34. Matumoso, M. (2019). *Mafia game*. Hobbies